
دیوان صبور

**

صبح فردا

فتح الله حدّادیان «سور»

سرشناسه : حدادیان، فتح‌الله
 عنوان و نام پدیدآور : صبح فردا/ فتح‌الله حدادیان.
 مشخصات نشر : گفتمان اندیشه معاصر، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری : ۲۵۰ ص. ۱۴/۵×۲۱ س.م.
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۵۶۲۴-۵
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 یادداشت : بالای عنوان: دیوان صبور.
 عنوان دیگر : دیوان صبور.
 موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴
 موضوع : Persian poetry -- ۲۰th century
 رده بندی کنگره : ۸۳۴۱ PIR
 رده بندی دیویی : ۶۲/۱۸۸
 شماره کتابشناسی ملی : ۶۱۵۲۵۶۹



گفتمان اندیشه معاصر

۱۱۲۲۵۱۳۲۱۸

ghosseinia104@yahoo.com

دیوان اشعار

صبح فردا

فتح‌الله حدادیان (صبور)

ناشر: گفتمان اندیشه معاصر

شمارگان: ۱۰۰۰ شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۵۶-۲۴-۵

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۹ قیمت ۴۰۰۰ تومان

ISBN: 978-622-6656-24-5



فهرست

- پیش‌خوانی ۱۳
- آشنایی با انجمن ادبی سروش / فتح‌الله حدادیان (صبور) ۱۵

غزلیات

۱. الفت و رأفت و محبت دوست ۲۱
۲. پرسیدن از کسی که چرا این قدر گسی ۲۲
۳. گاسگانی دل نوای کوی جانان می‌کند ۲۳
۴. دلم از عسلی اجتناب نکرد ۲۴
۵. آن جاده که پیچ و خم ندارد ۲۵
۶. گنه نکرده کسی متهم نمی‌شود ۲۶
۷. کسی که توسن آمال را مهار نکرد ۲۷
۸. یک لحظه هم که شد به نگاهم ننگ ۲۸
۹. با هر چه دارد یا ندارد ۲۹
۱۰. کاش می‌شد رخت برمی‌بستم از کوی شما ۳۰
۱۱. با تو آم تا کی میخای پشتک و وارو بزنی ۳۱
۱۲. از خودنمایی آنچه می‌دانی نکردم ۳۱
۱۳. بیا برای خدا این قدر بهانه نگیر ۳۶
۱۴. قسم به آیه چشم و به اعتبار نگاهت ۳۷
۱۵. گر بر آئید که اندیشه باطل نکنید ۳۸

۱۶. نیازمند به دامان سر گران آویخت ۳۹
۱۷. می برم امشب سرم را در گریبانی که نیست ۴۰
۱۸. چندی است بی احساس و دل سردم ۴۲
۱۹. کی می شود به محفل جانان رسانی ام ۴۳
۲۰. بیا و از سر زلفت حجاب را بردار ۴۴
۲۱. به رنگ هیچ کسی نه، به رنگ خویشتنم ۴۵
۲۲. بس از چندی به دست خویش بالا زد نقابش را ۴۶
۲۱. آگ در باغ بی برگی هزاران نغمه سر دادم ۴۸
۲۴. این نغمه خیره سری یعنی چه؟ ۵۰
۲۵. حال سوش این ده زها زمانه ندارد ۵۱
۲۶. چو روزی آشکارا دل شد اسرار پنهانی ۵۲
۲۷. بالا گرفته کار همه هیچ کاشاها ۵۴
۲۸. چه پرسی ام که چرا اشک دیده ام جاری ست ۵۶
۲۹. طی می شود به غصه و غم روزگار من ۵۸
۳۰. روزی که از خود رنجه کردی دیگری ۶۰
۳۱. عاشق بی قرار یعنی من ۶۲
۳۲. حاجتی نیست به مشاطه، رخ افروخته را ۶۴
۳۳. منی که آینه ای را کدر به آه نکردم ۶۶
۳۴. گفت ساقی شراب را بنویس ۶۷
۳۵. اگر آن بهار باشی که خزان ندیده باشی ۶۸
۳۶. دیدی اگر که غلغله افتاد در سکوت ۷۰

۳۷. اگر مهرم اگر ماهم اگر صد خوشه پروینم ۷۱
۳۸. چه پیش آمده حکم تقدیر را ۷۲
۳۹. یلدا نرفته سر زده یلدای دیگری ۷۴
۴۰. نیست معلوم کسی سرّ نظر باختنت ۷۶
۴۱. به روز بی نیازی یار بسیار است می دانی ۷۷
۴۲. مان خدا که مرا شوق نکته دانی داد ۷۹
۴۳. هزار مرتبه هر روز اگر کباب شویم ۸۱
۴۴. در روز سنگین و سنگین تر نمایی بار من ۸۳
۴۵. چرا نبرد دزد باغبان باشد ۸۵
۴۶. به ناله هرجوی ام جدایی دل ها ۸۶
۴۷. هلا که از می مهر و محبت مستم ۸۷
۴۸. گذشت آن که دل داشت آرزو من فراوان ۸۸
۴۹. به نوایی رسیده ام که می پرس ۸۹
۵۰. سالی گذشت و حال همدیگر پرسیدیم ۹۰
۵۱. همتم دانی چه شد تا دامن جانان گرفتم ۹۱
۵۲. خوش است از نظر دیگران نهان بودن ۹۲
۵۳. نصیحتی ز بزرگی همیشه هست بگوשמ ۹۴
۵۴. کو آتشین دلی که شود هم زبان ما ۹۵
۵۵. اگر گلوی مرا تیغ آرزو گیرد ۹۶
۵۶. وقتی تو راست دست توانا در آستین ۹۷
۵۷. نقّال قصّه های خودم امشب ۹۹

۵۸. مست مستم خمار را مانم ۱۰۰
۵۹. به شوره زار گل من دمیدن آسان نیست ۱۰۱
۶۰. اندیشه پرواز را از ما گرفتند ۱۰۲
۶۱. بندی بند خواری ام ای دوست ۱۰۳
۶۲. چرا آنان که می بردند بالا چیدن ما را ۱۰۴
۶۳. چراغ مرده به مهر آمدی و ماه شدی ۱۰۵
۶۴. دیده ام انتظار یار کشد ۱۰۶
۶۵. ای اگر نابخردی برخاست تا طغیان کند ۱۰۸
۶۶. ساز که پاسر ادب را نگه نمی دارند ۱۱۰
۶۷. دل خونین چراشیدن ندارد ۱۱۲
۶۸. شوخ چشمی که از یاران جانی دل برید ۱۱۴
۶۹. بهر یک بوسه طالع از انسند ۱۱۶
۷۰. ساز ناساز را چه باید کرد؟ ۱۱۸
۷۱. غرق در تاول و ترک پا را ۱۱۹
۷۲. پس که از هر سو هجوم آورده بیم و اضطراب ۱۲۱
۷۳. پخته را با حیل هرگز خام نتوانست کرد ۱۲۲
۷۴. من شبی را بوده ام تا صبحدم مهمان شب ۱۲۳
۷۵. با روی تو نیاز به خورشید و ماه نیست ۱۲۴
۷۶. مرا درگیر ننگ و نام کردند ۱۲۵
۷۷. دلم در هوایت رها شد چه شد ۱۲۶
۷۸. از سرو به پا خاسته گفتمی به از اینم ۱۲۷

۷۹. تا بعد از این اقرار و انکاری نباشد ۱۲۸
۸۰. خار بی گل دیده‌ام اما گل بی خار نه ۱۳۰
۸۱. تا نفس در جریان است و به تن جان دارم ۱۳۱
۸۲. آن ماه بی نظیر که حسن جمال داشت ۱۳۲

شعرهای آئینی

۱. جایو، نرفته‌ام که نباشد نوای تو ۱۳۵
۲. آن که اراهم را باور ندارند ۱۳۶
۳. ای مهر من، تو که هر سال سال توست ۱۳۷
۴. آن روز که جور، چهار و بیداد ۱۳۹
۵. خاتم انبیا محمد مر ۱۴۲
۶. با بهار آمد بهار دیگری ۱۴۴
۷. ای ابرمرد روزگار علی ۱۴۷
۸. تا مهر تو را به جان خریدم ۱۴۹
۹. تیغ دشمن چه می‌کند امشب ۱۵۱
۱۰. کیست این زن که نام او زهراست ۱۵۲
۱۱. ای بشر ای خسته بیداد جنگ ۱۵۳
۱۲. مطرب امشب ساز خوش را ساز کن ۱۵۴
۱۳. چو می‌برم به زبان نام دلربای تو را ۱۶۰
۱۴. ای دل من گدای دستانت ۱۶۲
۱۵. قامت افراخت شد قیامت عشق ۱۶۵

۱۶. دشت یک سوی آن هدایت بود ۱۶۷
۱۷. در دل خود سوگواری می کنم ۱۷۰
۱۸. کلثوم که زینبی دگر بود ۱۷۲
۱۹. چه شام غم زده‌ای عازم سفر باشد ۱۷۴
۲۰. مطرب بزم خوش سرود امشب ۱۷۷
۲۱. امام جعفر صادق که جان به قربانش ۱۷۹
۲۲. هوای عشق دل‌ها را بهاری می کند اینجا ۱۸۱
۲۳. ز عین و فرش پیرس آن خجسته یار کجاست ۱۸۳
۲۴. دلیلم بر شایسته به لطف ذات باری دیدنش ۱۸۵

متفرقات

۱. چه می‌شود که به دیدارم به پا خیزیم ۱۸۸
۲. سرکش است این سرهوایی من ۱۹۰
۳. ای سرو شکسته قامت من ۱۹۲
۴. حشمتم تا که دیده بیدار است ۱۹۵
۵. غم مرگ برادرم، رمضان ۱۹۷
۶. از غم یاری که شد از دست گریم زار زار ۲۰۰
۷. خلیل رفت و دلم را قرین محنت کرد ۲۰۲
۸. از غصه‌ات چون شمع در سوز و گدازم ۲۰۴
۹. تو کیستی که یکی دشمنت یکی یار است ۲۰۶
۱۰. شیر میدان عشق چمران بود ۲۰۹